

شناسایی و تدوین اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران

■ علیرضا صادقی* ■ یعقوب عزیزی**

چکیده:

جامعه کثرت‌گرا و چندفرهنگی زمانی می‌تواند در گذار از تهدید به فرصت پیش رود که تعلیم و تربیت چندفرهنگی و تنوع قومی بر مرکب اصول سوار شود. برنامه درسی چندفرهنگی سازگار با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیز نیازمند استخراج اصول و عناصر اصلی است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناخت و استخراج اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. ماهیت این پژوهش کیفی و روش تحقیق آن تحلیلی - استنتاجی است. حوزه مطالعاتی پژوهش شامل آرای اسلام‌شناسان، اسناد بالادستی ایران، تاریخ آموزش و پرورش ایران، اسناد و مدارک کشورهای منتخب در زمینه آموزش چندفرهنگی است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند از نوع متجانس بوده است. ابزار و روش‌های گردآوری اطلاعات روش اسنادی از طریق بررسی مستندات و به‌صورت کاربرگ‌های تحلیل محتوا بوده است. یافته‌های پژوهش شامل استخراج یازده اصل تعلیم و تربیت چندفرهنگی ایران است که شامل موارد زیر است:

در نهاد تعلیم و تربیت باید کرامت انسانی و حقوق افراد فارغ از تفاوت‌های فرهنگی حفظ شود و فرصت‌های تربیت کیفی فارغ از رنگ، نژاد، طبقه و مذهب فراهم آورده شود. تعلیم و تربیت باید روحیه همزیستی مسالمت‌آمیز را میان ادیان، مذاهب و اقوام در ایران و جهان ترویج دهد و فرصت آموزش‌های دینی اقلیت‌های مذهبی و زبان‌های محلی را برای یادگیرندگان فراهم آورد. در تربیت متربیان باید به‌گونه‌ای عمل شود که از تفتیش عقیده یکدیگر پرهیز کنند و به دیگران به‌خاطر داشتن عقیده‌ای تعرض نکنند. باید هویت‌های ویژه در دانش‌آموزان و گروه‌های مختلف، با توجه به تفاوت‌های فردی در کنار هویت مشترک، شکل گیرد.

تعلیم و تربیت چندفرهنگی، اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی، برنامه درسی چندفرهنگی

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۹

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۹/۵/۱۴

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲

* (نویسنده مسئول) دانشیار مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. E-mail: sadeghi.edu@gmail.com

** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. E-mail: yaqoobazizi@yahoo.co.uk

مقدمه

اگر یکی از کلمات «چند»، «انواع»، «کثرت» یا «گوناگونی» به واژه‌های اضافه شوند، می‌توانند اندیشمندی را به وجد آورند یا افکار او را از ترس سست و لرزان کنند. هرچند این کلمات قابلیت این را دارند که افکار را از اسارت یک زاویه دید برهانند و روزنه‌های چندگانه‌ای برای تفکر و تعمق بکشایند، گاهی اندیشمندان و افراد جامعه عرصه کثرت‌گرایی را مملو از خطرات و چالش‌های حل‌ناشدنی می‌دانند؛ غافل از آنکه گذار همیشه دشوار و آکنده از عرصه‌های بی‌سازمانی عظیم و سازماندهی مجدد بر اساس شکل نوظهور افکار است. «فرهنگ» اصطلاحی است که بی‌تردید مملو از برداشت‌های مناقشه‌انگیز و متنوع است. تعاریف متعدد و گوناگونی نیز همچون «نظام معنا»، «الگوی معنا»، «نظامی از برداشت‌ها»، «نوعی جهان‌بینی»، «نظم ذهنی»، «استانداردهای مشترک تفسیر یا ادراک»، «معناهای عمومی و مشترک»، «الگو یا استانداردهای مشترک تفسیر یا ادراک» از آن به عمل آمده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۸). اما هنوز اندیشمندان برای احقاق حقوق این واژه درگیر مجادله و مباحثه‌اند تا آن را بر کرسی مناسب و واقعی خود بنشانند. این تعابیر و تمثیل‌های به کار گرفته شده شاید متناسب با انسان یا موجود زنده باشد، اما اگر بگوییم فرهنگ موجودی زنده است گزاره نگفته‌ایم. حال اگر به واژه «فرهنگ» کلمه «چند» اضافه شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ «چندفرهنگی» است. هرچند شکل ظاهری این اصطلاح دستخوش تغییر آن‌چنانی قرار نمی‌گیرد، بی‌شک روزنه‌های جدیدی برای تدبر، تأمل و تعمق آشکار می‌کند.

شاید در ابتدای برداشت از «چندفرهنگی» مفاهیم انفکاک و مفارقت به ذهن خطور کند، اما چندفرهنگی مفهومی نسبتاً جدید است که حضور چند فرهنگ متفاوت را در کنار هم تداعی می‌کند. حضور چند فرهنگ متفاوت و گاه غیرهمسو در کنار هم امکان چالش و تنش در میان افراد و فرهنگ‌ها را محتمل می‌سازد. رویکرد چندفرهنگی درصدد ایجاد تعامل، تفاهم و تبادل بین فرهنگ است تا فرهنگ‌های متفاوت با کمترین تنش و به‌صورت مسالمت‌آمیز امکان همزیستی پیدا کنند (صادقی، ۱۳۹۰). فرهنگ‌ها می‌توانند به تعاملات آگاهانه و ناآگاهانه بپردازند و در خلال این عرصه‌هاست که فرهنگ‌ها به بهترین‌ها تغییر می‌کنند (پارخ، ۲۰۰۸).

تنوع و کثرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از ویژگی‌های مهم دنیای حاضر است. به همین علت توجه نداشتن کافی و نادیده گرفتن پیچیدگی، آمیختگی و تکثرگرایی فرهنگی بحران‌ساز شده است (ملوکی و اوربترز، ۲۰۰۰). جامعه چندفرهنگی جامعه‌ای متشکل از مردمی است که به فرهنگ‌های متفاوت تعلق دارند (واتسن، ۲۰۰۴/۱۳۸۱). چالش زمانی آغاز می‌شود که از یک‌طرف در پی احترام به تنوع فرهنگی و در کانون توجه قرار دادن همه آن‌ها و از طرف دیگر در پی وحدت و اتحاد جامعه باشیم. این امر نه تنها جزء محالات نیست، بلکه امکان‌پذیر و از ضروریات هر جامعه چندفرهنگی است. اگر چند فرهنگ در جغرافیایی وسیع، همچون کشور ایران، جامعه‌ای را تشکیل داده باشند، چه باید کرد؟ چه راهی می‌تواند از بحران جلوگیری کند؟ به نظر می‌رسد تعلیم و تربیت می‌تواند راهکارهایی در این مسیر به ما ارائه دهد

زیرا به نقل از برودی: «تعلیم و تربیت اساس و مبنای تمام حوزه‌های پژوهشی دیگر است، چون هیچ رشته یا حوزه‌ای وجود ندارد که نیاز به یادگیری و تدریس نداشته باشد.» (برودی، ۴، ۱۹۷۲).

اکنون در این شرایط چندفرهنگی ایران فقط یادگیری و تعلیم و تربیت و در رأس آن برنامه‌درسی چندفرهنگی است که گره از کار این شرایط می‌گشاید و می‌تواند در نزدیک کردن فرهنگ‌ها، ایجاد تفاهم و تعامل میان آن‌ها، رفع سوءتفاهم‌های موجود و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز عمل کند. تعلیم و تربیت چندفرهنگی حوزه‌ای مطالعاتی است که هدف اصلی از آن ایجاد فرصت‌های برابر تعلیم و تربیت برای اقوام، نژادها و گروه‌های مختلف فرهنگی است (بنکس و مک‌گی‌بنکس^۵، ۲۰۰۵) و برنامه‌درسی چندفرهنگی در صدد فراهم آوردن زمینه‌ای برای ورود فرهنگ‌های مختلف به زندگی واقعی دانش‌آموزان است. این نوع برنامه‌درسی از طریق درگیر کردن دانش‌آموزان در فهم و شناخت فرهنگ‌های دیگر موجب یادگیری از طریق تجربه‌چندحسی می‌شود (چیتوم^۶، ۲۰۱۱، به نقل از امینی، ۱۳۹۱). این فلسفه، که بر چارچوب تنوع قومی و فرهنگی استوار است، می‌تواند در تمامی بخش‌های نظام آموزشی تأثیر بگذارد (پرکینز و مبرت^۷، ۲۰۰۵). اما رویارویی چندفرهنگی با تعلیم و تربیت زمانی مشکل‌ساز می‌شود که فرایند تحصیل مطابق با یک الگوی فرهنگی همه‌افراد دیگر را استثنا و مجزا می‌کند یا وقتی که از کودکانی که فرهنگ متفاوت دارند خواسته می‌شود همه‌عادات فرهنگی خود را به‌عنوان شرط موفقیت تحصیلی کنار گذارند اینجاست که «چند» کلمه‌ای است رعب‌آور و مسئله‌ساز و این مسئله را می‌توان در نظر شارل دو بروس^۸ دید. وی باور دارد برخی فرهنگ‌ها شیاطین و ارواحی را در ذهن خلق کرده و بعد خود را مقهور و زیر سلطه همان محصولات ذهنی‌شان کرده‌اند (دیلینی^۹، ۱۳۹۴/۲۰۰۴).

اگر بخواهیم وضعیت‌تری تراژیک، به معنی صحنه‌قتل فرهنگ‌های مختلف به دست تعصب کور، برای چندفرهنگی متصور شویم، بسیاری از ناپیوستگی‌های موجود میان فرهنگ غالب و فرهنگ‌های متعلق به گروه‌های گوناگون قومی در سطح ناخودآگاه و غیرارادی وارد عمل می‌شوند. این ناپیوستگی‌ها زمانی روی می‌دهند که افراد طبیعی رفتار می‌کنند، چون رفتار آن‌ها به شدت تحت تأثیر شرطی‌سازی فرهنگی قرار دارد. در جامعه‌ای کثرت‌گرا تصمیم‌گیری آموزشی پاسخگو زمانی تحقق خواهد یافت که رهبران آموزشی برنامه‌های خود را با آگاهی از نحوه شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای خود و دانش‌آموزانشان با فرهنگ طراحی کنند (اسپیندلر^{۱۰}، ۱۹۸۷).

در باره جوامع و تعلیم و تربیت چندفرهنگی و مسائل مربوط به آن تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است که می‌توان با اشاره مختصر به آن‌ها از گام‌های برداشته شده در این مسیر شناختی هر چند اجمالی حاصل کرد. بنکس (۲۰۰۶) در پژوهش خود بیان می‌کند که ارائه برنامه‌درسی چندفرهنگی برای تمام دانش‌آموزان موجب ارتقا، تحمل، احترام، فهم و پذیرش فرهنگ خود و دیگران می‌شود. در زمینه آموزش چندفرهنگی نتایج چشمگیری به دست آمده است که در این میان می‌توان به یافته‌های اسمیت^{۱۱} (۲۰۰۹) اشاره کرد. نتایج تحقیقات او نشان داد حمایت از رویکرد آموزش چندفرهنگی، به‌ویژه در

آموزش در بدو خدمت معلمان، باعث احترام به تنوع فرهنگی در میان دانش‌آموزان می‌شود. البته نتایج پژوهش غریبی (۱۳۸۷) در همین راستا نشان داد که توجه به فرهنگ‌ها و زمینه‌های فرهنگی متفاوت در آموزش، یادگیری برای بالابردن سازگاری اجتماعی و قابلیت‌های زندگی مسالمت‌آمیز، توجه به آموزش چندفرهنگی و برنامه‌دستی منشأ بسیاری از تحولات اساسی در جامعه است. در زمینه شناخت و درک فرهنگ‌های متفاوت فراگیران می‌توان به پژوهش‌های فرناندز^{۱۲}، هاوکینز^{۱۳}، کارسون^{۱۴} اشاره کرد. فرناندز (۲۰۱۰، به نقل از صادقی، ۱۳۹۰) عامل رشد و بهبود شناختی فراگیران، درک قومی و نژادی، تقویت حس اجتماعی و مشارکت مدنی آن‌ها و افزایش کیفیت عملکرد و تعامل در کلاس درس را رویکرد احترام به تنوع فرهنگی می‌داند. در پژوهش هاوکینز (۲۰۰۷) احترام به تنوع فرهنگی عامل اصلی در توسعه سرمایه انسانی جامعه‌ای چندفرهنگی شناخته شده است. تحقیقات کارسون (۲۰۱۸) نشان داد که در دوره‌های تربیت معلم، در کانادا، مسائل حول محور تبعیض و عدالت اجتماعی منابع بحث و گفتگو بوده و دانشجومعلم‌ان اطلاعات مربوط به چندفرهنگی را ارزشمند و آمادگی‌شان را برای تدریس در کلاس‌های متنوع مفید بالا برده است. موزیس^{۱۵} (۱۹۹۷) در مقاله خود «آموزش چندفرهنگی به‌منابۀ پرورش استقلال فردی» عنوان کرد دانش‌آموزانی که تحت آموزش مبتنی بر فرهنگ‌های مختلف قرار می‌گیرند آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر اختلافات و تفاوت‌های قومی و نژادی کمتر است. اقوام جامعه به وفاق نیاز دارند که لازمه آن قبول نوعی تکثرگرایی فرهنگی است. در واقع اصل مهم و اساسی در تعلیم و تربیت چندفرهنگی ایجاد حساسیت در برابر تکثر ذاتی موجود در جهان واقعی است (اروین^{۱۶}، ۲۰۱۲). عراقیه و فتحی‌وآجارگاه (۱۳۹۱) در پژوهش خود بر ضرورت یادگیری و احترام به تنوع فرهنگی برای فراگیران تأکید کرده و آموزش صلاحیت‌های ضروری برای زیست چندفرهنگی را امری ضروری دانسته‌اند. ایشان خاطر نشان می‌کنند که رویکرد چندفرهنگی سبب بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. بانگاهی به تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت یکی از مفروضه‌های آموزش چندفرهنگی یاددهی و یادگیری فرایندهای فرهنگی‌اند که در بافت اجتماعی رخ می‌دهند. برای اینکه بتوان حداکثر آموزش را به لحاظ کیفی در اختیار دانش‌آموزان گوناگون قرار داد بایستی فرهنگ آن‌ها را به روشنی دریافت (صادقی، ۱۳۹۲). چنین دانش و دریافتی را می‌توان از طریق تجزیه و تحلیل آموزش از دیدگاه چندگانه کسب کرد و کوری تمحیلی بر آموزش را با تجربه فرهنگی غالب از بین برد (اسپیندلر، ۱۹۸۷). مدارس نمونه کوچک و مظهر جامعه غالب محسوب می‌شوند (لا بل^{۱۷}، ۱۹۷۶). درک اثربخش از فرایند آموزشی در جامعه‌ای کثرت‌گرا مستلزم تلقی یاددهی و یادگیری به‌منزله ابعاد محیط‌های فرهنگی گوناگون است (کیمبل^{۱۸}، ۱۹۶۵). امروزه بسیاری از کشورهایی که تنوع فرهنگی دارند به مقوله چندفرهنگی و پتانسیل‌های آن توجه بسیاری می‌کنند. این موضوع نشان از ضرورت و اهمیت این مسئله دارد. نکته دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است پیشی گرفتن کشورهای مختلف در عرصه چندفرهنگی و برنامه‌های درسی این

حوزه است. راز موفقیت این کشورها در گرو طراحی بر پایه اصول و شرایط چندفرهنگی آن کشور است. جامعه جهانی و نظام تعلیم و تربیت پیوسته در حال پیشرفت است. جامعه کثرت‌گرا، با تنوع و چندفرهنگی، زمانی در گذار از تهدید به سمت فرصت می‌تواند پیش رود که تعلیم و تربیت چندفرهنگی و تنوع قومی بر مرکب اصول سوار شود؛ لذا نه تنها نجات، بلکه حیات جامعه چندفرهنگی در گرو توجه به تنوع قومی و نژادی و پایبندی به اصول حاکم بر آن است.

جامعه چندفرهنگی، همانند ایران، فرهنگ‌های مختلفی را درون خود جا داده است اما کثرت فرهنگ زمانی می‌تواند حیات خود را حفظ کند که آن فرهنگ‌ها ارتباطات و تعاملات ریشه‌ای با هم داشته باشند. این تبدلات و تعاملات فرهنگی به مرور زمان موجب پیدایش اصول و قواعدی مشترک و هم‌سخن می‌شود. در این صورت است که این جامعه، علاوه بر چندفرهنگی و اقوام مختلف و با وجود کثرت عقاید، نقاط مشترکی را به دست می‌آورد و سبب شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه با خصوصیات معین خواهد شد. بدین گونه که اجتماع مورد نظر دارای اصول، فلسفه اجتماعی و آداب و رسوم خاص، افکار و عقاید و تمایلات خاص مردم آن جامعه است. برنامه درسی چند فرهنگی علاوه بر اینکه باید انعکاسی از فرهنگ‌های مختلف باشد، در قبال فرهنگ خاص جامعه و اصول حاکم بر آن نیز مسئول است.

در عصر ما تحولات عمیقی در کلیه شئون فرهنگی حاصل شده است. علوم و فناوری ارتباطات، وضعیت تربیتی، ایدئال‌های اجتماعی، میزان‌ها و استانداردهای اخلاقی، آداب دینی و فاصله طبقاتی تغییرات شگرفی به وجود آورده است. در برنامه درسی چندفرهنگی بیش از همه باید در مقابل این تغییرات حساسیت نشان داد و اصول حاکم بر آن‌ها را شناسایی و در برنامه‌های درسی لحاظ کرد. هر چند در بسیاری از کشورها برخی از فرهنگ‌های خاص رواج دارد و جزء اصول حاکم بر آن فرهنگ شده است، این گونه فرهنگ‌ها در کشور ایران به علت اتصال ریشه‌ای فرهنگ‌های مختلف، به هیچ وجه، نه مورد قبول فرهنگ‌های مختلف است و نه فرهنگ عام جامعه. البته ممکن است چند اصل آن همگانی و جهانی باشد، اما اصول چندفرهنگی مبتنی بر شرایط بومی - محلی است. به همین دلیل فرهنگ‌های کشورهای مختلف اصول و قواعد مختص خود را دارند که این فرهنگ‌ها جهان‌شمول نیستند. ایران نیز، طبق همین رویه، دارای اصول حاکم بر چندفرهنگی خود است. «اصول، جمع اصل به معنی ریشه‌ها، اساس‌ها و بیخ‌وبین‌هاست؛ به عبارتی دیگر، پایه‌های هر چیز را اصل گویند. منظور از اصول پایه‌ها قواعد و قوانینی است که هر علم بر آن استوار می‌شود.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۲۸۱۹). اصول معمولاً از مبانی مستحکم هر کشوری استنباط می‌شود و طبعاً بسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن متفاوت خواهد بود. این کار به نوعی استحصالی، استخراجی و کشف‌کردنی است. این گونه نیست که آن را بتوان از یک یا چند منبع محدود استخراج کرد. فرد باید اطلاعات کاملی از پیشینه فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی جامعه خود داشته باشد. حتی به نظر می‌رسد اطلاعات کافی نیز در این زمینه مؤثر نبوده و داشتن تحلیل درست و مناسب از پدیده‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز ضروری است. بدین منظور فرد بایستی در منابع

گونگون به کندوکاو بپردازد، از اندیشه‌ها آگاهی یابد، از فرصت‌ها و چالش‌های جامعه خود فهم درستی پیدا کند، قوانین مؤثر در جامعه را شناسایی کند تا بتواند اصول را تدوین کند. اصولی که قابل اعتماد باشد و آینه تمام نمای جامعه هدف باشد. اصول در پژوهش حاضر قواعد و ضوابطی اند که به منزله معیار و راهنمای نحوه تدوین برنامه درسی چندفرهنگی مبنای عمل قرار می‌گیرند (صادقی، ۱۳۹۰).

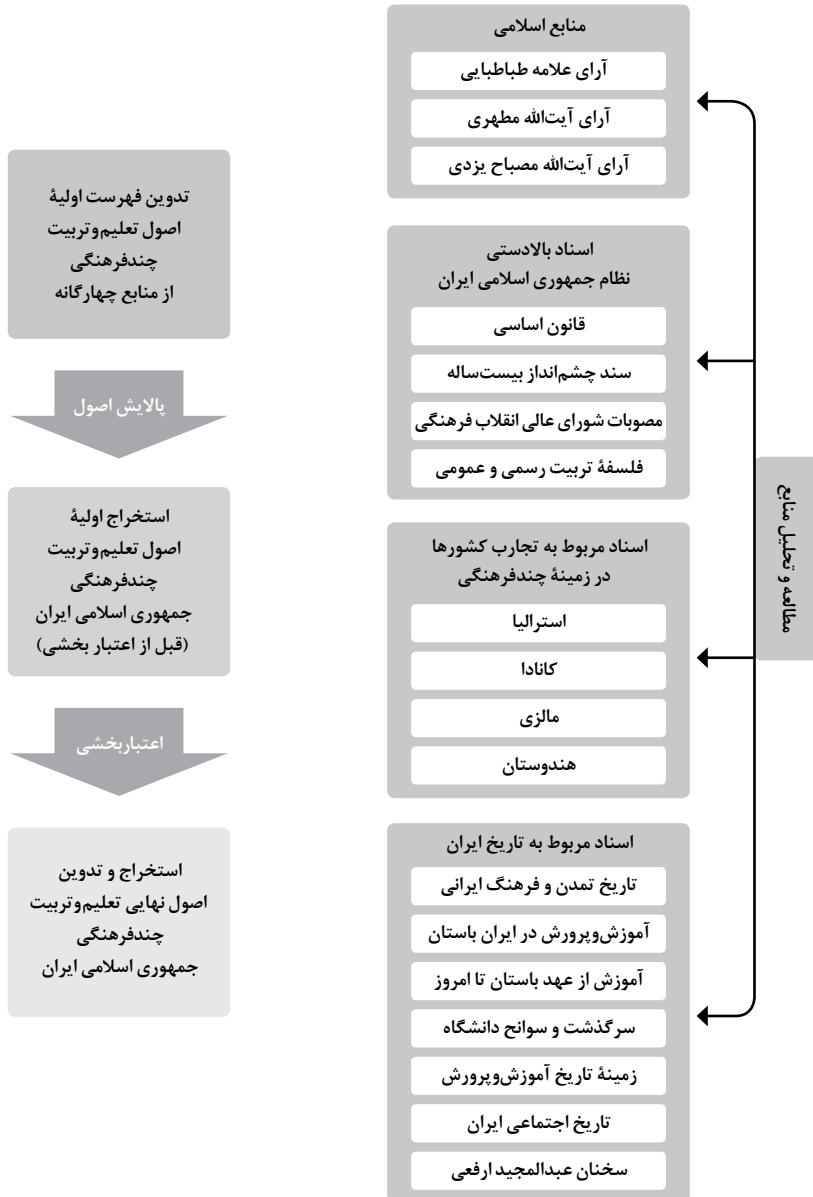
برنامه درسی چندفرهنگی سازگار با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام آموزشی ایران بیش از هر چیز نیازمند استخراج اصولی است که با بافت و زمینه جامعه ایران سازگار باشد. با مستندات از قبیل آرای اسلام‌شناسان، اسناد بالادستی ایران، تاریخ آموزش و پرورش ایران، اسناد و مدارک کشورهای منتخب در زمینه آموزش چندفرهنگی می‌توان به این زمینه و بافت دست یافت. هرگونه تلاش برای تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران در گام نخست متضمن استخراج اصول و روش‌هایی است که راهنمای عمل اجرای این برنامه‌ها باشند. با توجه به اینکه سیاست‌های کلی، اهداف و برنامه‌های درسی و سهم معلمان بر اساس اصول طراحی می‌شود و از آنجایی که تاکنون پژوهش مشخصی برای شناسایی این اصول انجام نگرفته است، بنابراین هدف از این پژوهش استخراج و تدوین اصول حاکم بر تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران با طرح این سؤال و پرسش اساسی است که اصول حاکم بر تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدامند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و روش تحقیق آن تحلیلی - استنتاجی است. کیفی بودن پژوهش از آن‌روست که به مطالعه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع می‌پردازد. همچنین استنتاجی است، چون تلاش شد تا اصول حاکم بر تعلیم و تربیت چندفرهنگی استنتاج شود. از آنجایی که شناسایی اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی امری بومی و مختص به کشور ایران است، سعی شد ضمن استفاده از تجارب جهانی این اصول از منابعی استخراج شوند که جزء منابع مستحکم دینی و فرهنگی و سیاسی ایران باشند. بنابراین برای اخذ داده‌های عمیق و غنی، جامعه آماری این پژوهش شامل منابع چهارگانه (آرای اسلام‌شناسان، اسناد بالادستی ایران، تاریخ آموزش و پرورش ایران، اسناد و مدارک کشورهای منتخب در زمینه آموزش چندفرهنگی) است. روش نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند از نوع متجانس بود. ابزار و روش‌های گردآوری اطلاعات روش اسنادی با بررسی مستندات و به صورت کاربردگرای تحلیل محتوا بود. بر اساس سؤال تحقیق و جامعه چهارگانه حجم نمونه مربوط به هر جامعه به تفکیک آورده شده است (جداول ۱-۴). برای نیل به این هدف، مراحل زیر طراحی شد (شکل ۱). این مراحل عبارتند از:

- الف) مطالعه و تحلیل منابع دینی، اسناد بالادستی کشور، اسناد مربوط به تاریخ ایران باستان و مطالعه تجارب کشورهای منتخب در زمینه آموزش چندفرهنگی؛
- ب) تدوین فهرست اولیه اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی از منابع چهارگانه؛
- پ) پالایش فهرست اولیه؛

- (ج) تدوین اصول اولیهٔ تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران (قبل از اعتباریابی)؛
 (د) تدوین اصول نهایی تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران (بعد از اعتباریابی).



شکل ۱. فرایند استخراج اصول چندفرهنگی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

جدول ۱. حجم نمونه مربوط به آرای اسلام‌شناسان

اسلام‌شناس	جامعه	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه
علامه سید محمدحسین طباطبایی	کلیه آثار	هدفمند	تفسیر المیزان
آیت‌الله مرتضی مطهری ^{۱۹}	کلیه آثار	هدفمند	هفده کتاب مرتبط
آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی ^{۲۰}	کلیه آثار	هدفمند	نوزده کتاب مرتبط

جدول ۲. حجم نمونه مربوط به اسناد بالادستی

جامعه	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه
اسناد بالادستی	هدفمند	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، فلسفه تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۳. حجم نمونه مربوط به اسناد تاریخ ایران باستان

جامعه	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه
آثار مربوط به تاریخ ایران باستان	هدفمند	تاریخ تمدن و فرهنگ ایرانی، آموزش و پرورش در ایران باستان، آموزش از عهد باستان تا امروز، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، زمینه تاریخ ایران و اسلام، تاریخ اجتماعی ایران، لوح فشرده مربوط به سخنان عبدالمجید ارفعی: تهیه‌شده در بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد.

جدول ۴. حجم نمونه مربوط به برنامه‌های درسی کشورهای منتخب در زمینه چندفرهنگی

جامعه	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه
کشورهای جهان	هدفمند	استرالیا
		- چارچوب ملی برای آموزش ارزش‌ها در مدارس استرالیا ^{۲۱} (۲۰۰۵).
		- سند آموزش چندفرهنگی، بازبینی و احیا ^{۲۲} (۲۰۰۸).
		- وبگاه برنامه‌های درسی مدارس استرالیا ^{۲۳} .
		- وبگاه نظام آموزش ملی استرالیا ^{۲۴} .

جدول ۴. (ادامه)

جامعه	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه
کشورهای جهان	هدفمند	کانادا
		- تحقیق بخشیدن به تنوع: راهبرد عدالت و آموزش فراگیر انتاریو ^{۲۵} (۲۰۰۹).
		- توصیف آموزش اولیه معلم در کانادا: مضامین و موضوعات ^{۲۶} (۲۰۰۸).
		- مواجهه با دیگری: برنامه درسی و چالش‌های آموزشی پاسخگویی به تنوع در آموزش معلمان کانادا ^{۲۷} (۲۰۱۸).
		مالزی
		- مرکز توسعه برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش مالزی ^{۲۸} (۱۹۷۷).
		- اصلاحات آموزشی و پویایی سیاست‌ها: موردی از «مدرسه چشم‌انداز» مالزی برای ادغام نژادی ^{۲۹} (۲۰۰۹).
		- نظام آموزشی مالزی، دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار.
		هندوستان
		- چارچوب برنامه درسی ملی: حوزه‌های چشم‌انداز و برنامه درسی ^{۳۰} (۲۰۰۵).
		- ادغام آموزش فرهنگ در برنامه درسی مدارس ^{۳۱} (۲۰۰۵).
		- چارچوب برنامه درسی ملی برای آموزش معلمان ^{۳۲} (۲۰۰۹).
		- نظام آموزشی هندوستان، دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار.

● اعتباریابی

اعتباریابی یافته‌های این پژوهش از طریق گروه‌های کانونی به‌دست آمد. گروه‌های کانونی جلسات بحث سازماندهی شده‌ای‌اند که در آن گروهی از افراد انتخاب می‌شوند که بشود به نظرهای آن‌ها به‌عنوان کانون بحث موضوعی متمرکز شد. سپس نظرها و تجربه‌های خود را از طریق مصاحبه گروهی بازنمایی می‌کنند. هدف از این روش کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربه‌ها و واکنش افراد است (لیتوسلیتی^{۳۳}، ۲۰۱۲/۱۳۹۲).

در این پژوهش ۵ نفر از متخصصان برای اعتباریابی یافته‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند که مشخصات آن‌ها در جدول ۵ آمده است. لازم به یادآوری است که این افراد به‌نوعی با ادبیات چندفرهنگی آشنا بودند و پژوهش‌های فردی و مشترکی در خصوص چندفرهنگی انجام داده بودند. اصول اولیه استخراج‌شده پس از مصاحبه و بررسی دیدگاه متخصصان و اعمال نظرهای آن‌ها اعتباریابی شدند و در نهایت یازده اصل تعلیم و تربیت چندفرهنگی تأیید شدند.

جدول ۵. مشخصات متخصصان برای اعتباریابی

ردیف	تخصص	مرتبه علمی
۱	برنامه درسی	استاد
۲	برنامه درسی	استاد
۳	برنامه درسی	دانشیار
۴	مطالعات فرهنگی	استاد
۵	فلسفه تعلیم و تربیت	استاد

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به حوزه‌ها و منابع متفاوتی که معمولاً در استخراج و تدوین «اصول» استفاده می‌شوند توجه شد. برای استخراج «اصول حاکم بر تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران» منابع دینی ضمن توجه وافر به بخش باورها و عقاید دینی کشور اسناد بالادستی کشور در زمینه قوانین و اسناد مربوط به تاریخ و فرهنگ و پیشینه ایران مطالعه و بررسی شدند و در نهایت درباره تجارب کشورها با زمینه چندفرهنگی نیز مطالعه تطبیقی به عمل آمد. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، در این پژوهش سعی شد به تمامی جوانبی که در استخراج «اصول» موضوعیت دارند توجه شود و از نظر دور نماند. هرچند مشاهده شد که در عمل اهمیت منابع دینی و قوانین بالادستی کشور به علت اتکای نظام تعلیم و تربیت ایران به تعلیم و تربیت اسلامی بیشتر از منابع دیگر است. اصولی که از منابع مربوط به «تاریخ و پیشینه اسناد مربوط به ایران باستان» و «نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی» استخراج شدند با اصول مستخرج از دو منبع «دینی و قوانین بالادستی کشور» مطابقت‌سازی شدند. نتایج حاصل از این بررسی به استخراج و تدوین اصول یازده‌گانه تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران منجر شد. این اصول با ذکر مستندات و منابع استخراجی آن‌ها در جدول ۶ آورده شده است؛ شایان ذکر است یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی و تحلیل اسناد مربوط به مبانی، اصول و اهداف کشورهای منتخب دارای زمینه چندفرهنگی و اصول استخراج‌شده از این منابع در جدول ۷ آورده شده است که در بسیاری از موارد با اصول یازده‌گانه همپوشانی دارند.

جدول ۶. اصول یازده‌گانهٔ تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	اصول
۱	<p>اصل اول</p> <p>در جریان تربیت، کرامت انسانی افراد باید حفظ شود و حقوق آن‌ها باید فارغ از تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، قومی، مذهبی و جنسیتی رعایت شوند.</p>
استنادات	<p>● مبتنی بر آرای علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه‌های (۷۰) سورهٔ حدید، (۱۶۵) سورهٔ انعام و (۷۰) اسراء است که به ترتیب در صفحات ۲۱۴ جلد ۱۳، ۵۴۶ و ۵۴۷ جلد ۷ و ۲۱۴ جلد ۱۳ تفسیر المیزان آمده است. همچنین این اصل مبتنی بر آرای استاد مطهری در کتاب انسان در قرآن، صفحات ۶ تا ۱۰ و در توضیح ذیل آیه‌های (۷۰) اسراء، (۱۶۵) انعام، (۴۳) روم است. همچنین برگرفته از بند ششم اصل دوم قانون اساسی؛ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، اصل دوازدهم قانون اساسی؛ و دین رسمی ایران، اسلام و مذهب اثناعشری است و این اصل الی‌الابد تغییرناپذیر است. مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل‌اند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان، آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) و دعوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. اصل بیستم قانون اساسی: همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ بند اول سند چشم‌انداز توسعهٔ ایران ۱۴۰۴؛ همچنین این اصل ضمن اتکا بر مبانی فلسفی و دینی (ارزش شناختی) ناظر به بندهای (۲-۲-۱)، (۳-۲-۱) و (۸-۲-۱) مبانی سیاسی و برخی موارد مندرج در بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۶-۵-۱) و (۸-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی و بندهای (۳-۴-۱) و (۵-۴-۱) مبانی روان‌شناختی مندرج در فلسفهٔ تربیت رسمی و عمومی است.</p>
۲	<p>اصل دوم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید فرصت‌های تربیت کیفی را فارغ از رنگ، نژاد، طبقه، قومیت و مذهب در اختیار همگان قرار دهد.</p>
استنادات	<p>● این اصل تکیه بر آرای علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه‌های (۱۳) سورهٔ حجرات، (۲۲) روم، (۱) نساء (۲۱۳) و (۲۵۶) بقره، (۹۰) سورهٔ نحل، (۹) سورهٔ حجرات، (۲۵) حدید است که به ترتیب از صفحات ۴۸۸ جلد ۱۵، ۲۵۶ جلد ۱۶، ۲۲۳ جلد ۴، ۱۶۸ و ۵۲۵ جلد ۲، ۴۷۸ جلد ۱۲، ۴۶۹ و ۴۷۰ جلد ۱۸ و ۳۰۱ جلد ۲۵، ۴۷۸ جلد ۱۲، ۴۶۹ و ۴۷۰ جلد ۱۸ و ۳۰۱ جلد ۲۵ تفسیر المیزان استخراج شده است. همچنین آرای آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب پرسش و پاسخ جلد ۴ صفحهٔ ۱۷۴ و همچنین آرای استاد مطهری در کتاب‌های انسان و ایمان و خدمات متقابل اسلام و ایران به ترتیب در صفحات ۵۸ و ۵۹ و همچنین صفحات ۱۹ تا ۲۴ و ۶۰ تا ۶۲ است. همچنین بند سوم اصل سوم قانون اساسی؛ آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی برای همه در تمام سطوح رایگان است و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛ اصل بیستم قانون اساسی: همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ اصل سوم قانون اساسی: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همهٔ ملت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم سازد و وسایل آموزش عالی را تا سر حد خودکفایی کشور رایگان گسترش دهد؛ بند اول و دوم سند چشم‌انداز توسعهٔ ایران ۱۴۰۴؛ همچنین مبتنی بر اصل عدالت و اصل حفظ و ارتقای کرامت و اصل رفق و مدارا در فلسفهٔ تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین این اصل ضمن اتکا بر مبانی فلسفی و دینی (ارزش شناختی) ناظر به بندهای (۲-۲-۱)، (۳-۲-۱) و (۸-۲-۱) مبانی سیاسی و برخی موارد مندرج در بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۶-۵-۱) و (۸-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی و بندهای (۳-۴-۱) و (۱۴۰۷) (۵-۴-۱) مبانی روان‌شناختی مندرج در فلسفهٔ تربیت رسمی و عمومی است.</p>

جدول ۶. (ادامه)

ردیف	اصول
۲	<p>اصل سوم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با تفاهم را در میان پیروان ادیان، مذاهب و اقوام در کشور و جهان ترویج کند.</p>
استنادات	<p>● این اصل تکیه بر آرای علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه‌های (۶۱) تا (۶۴) سورة انفال و (۸) سورة ممتحنه است که به ترتیب در صفحات ۱۵۳ جلد ۹ و ۴۰۰ جلد ۱۹ آمده‌اند. آرای آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب پرسش و پاسخ جلد ۴ در صفحات ۱۷۱ تا ۱۷۴ است. همچنین اصل چهاردهم قانون اساسی: به حکم آیه شریفه «لا تنهکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین و لم یتخرجکم من ديارکم ان یتزوهم و تقسطوا الیهم انّ الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفاند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند ... همچنین این اصل ناظر به اصل وحدت‌گرایی ضمن پذیرش کثرت‌گرایی در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین ناظر به تعریف تربیت و ویژگی‌های آن در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. بندهای (۳-۲-۱)، (۴-۲-۱)، (۵-۲-۱)، (۶-۲-۱) و (۸-۲-۱)، برخی موارد مندرج در بند (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۱-۵-۱)، (۴-۵-۱)، (۵-۵-۱)، (۷-۵-۱) و (۱-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی است</p>
۴	<p>اصل چهارم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید فرصت آموزش‌های دینی اقلیت‌های مذهبی را (در چارچوب قانون اساسی) برای مذاهب فوق فراهم آورد.</p>
استنادات	<p>● این اصل تکیه بر آرای علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه‌های (۱۳) سورة حجرات، (۲۲) روم، (۱) نساء، (۲۱۳) و (۲۵۶) بقره، (۹۰) سورة نحل، (۹) سورة حجرات، (۲۵) حدید است که به ترتیب از صفحات ۴۸۸ جلد ۱۵، ۲۵۶ جلد ۱۶، ۲۲۳ جلد ۴، ۱۶۸ و ۵۲۵ جلد ۲، ۴۷۸ جلد ۱۲، ۴۶۹، ۴۷۰ و ۱۸ جلد ۳۰۱ و ۲۵ جلد ۴۷۸، ۴۶۹، ۱۲ و ۴۷۰ جلد ۱۸ و ۳۰۱ جلد ۲۵ آمده است. آرای آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب پرسش و پاسخ جلد ۴ صفحه ۱۷۴، در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن صفحات ۲۷۳، ۲۷۲ و همچنین آرای استاد مطهری در کتاب‌های انسان و ایمان و خدمات متقابل اسلام و ایران به ترتیب در صفحات ۵۸ و ۵۹ و همچنین صفحات ۱۹ تا ۲۴ و ۶۰ تا ۶۲ است. همچنین مبتنی بر اصل دوازدهم قانون اساسی: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب اثناعشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است. مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در اجرای مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. اصل سیزدهم قانون اساسی: ایرانیان زرتشتی، کلیبی، مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در اجرای مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. و اصل بیست و ششم قانون اساسی: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. همچنین ناظر به اصل توجه به اقتضانات و ویژگی‌های متریبان در جریان رشد و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری و اصل پذیرش وحدت‌گرایی در عین توجه به کثرت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. این اصل همچنین بر تعریف تربیت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۳-۴-۱) و (۴-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۴-۵-۱)، (۶-۵-۱) و (۹-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی اتکا دارد.</p>

جدول ۶. (ادامه)

ردیف	اصول
۵	<p>اصل پنجم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید زمینه آموزش زبان‌های محلی را (در چارچوب قانون اساسی) در کنار زبان فارسی فراهم کند.</p> <p>استنادات</p> <p>این اصل مبتنی بر آرای آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن صفحات ۲۵۸، ۲۷۳ و ۲۷۲ است. همچنین اصل پانزدهم قانون اساسی: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد است. اصل بیستم قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. این اصل ناظر به اصل توجه به اقتضانات و ویژگی‌های متربیان در جریان رشد و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری و اصل پذیرش وحدت‌گرایی در عین توجه به کثرت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. این اصل همچنین بر تعریف تربیت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۱-۴-۱) و (۴-۴-۱) و (۷-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۴-۵-۱)، (۶-۵-۱) و (۹-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی اتکا دارد.</p>
۶	<p>اصل ششم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید طوری متربیان را تربیت کند که از تفتیش عقیده یکدیگر پرهیز کنند و دیگران را به خاطر داشتن عقیده‌ای مورد تعرض قرار ندهند.</p> <p>استنادات</p> <p>مبتنی بر اصول بیستم و بیست و سوم قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند و تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. همچنین این اصل مبتنی بر اصل پاسداری و ارتقای آزادی و اصل وحدت‌گرایی ضمن پذیرش کثرت و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین ناظر به تعریف تربیت و ویژگی‌های آن در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بند (۱-۲-۱) مبانی سیاسی و برخی موارد مندرج در بند (۱-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۱-۴-۱) و (۲-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۳-۵-۱) و (۴-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی استوار است.</p>
۷	<p>اصل هفتم</p> <p>نهاد تعلیم و تربیت باید متربیان را با پیشینه فرهنگ و تمدن خود آشنا سازد و بر حفظ و بالندگی خرده‌فرهنگ‌ها تأکید کند.</p> <p>استنادات</p> <p>این اصل مبتنی بر بند اول سند چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴، مصوبه ناصد و هفتاد و نهمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ناظر به اصل توجه به اقتضانات و ویژگی‌های متربیان در جریان رشد و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری و اصل پذیرش وحدت‌گرایی در عین توجه به کثرت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین بر تعریف تربیت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۳-۴-۱) و (۷-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۴-۵-۱)، (۶-۵-۱) و (۹-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی اتکا دارد.</p>

جدول ۶. (ادامه)

ردیف	اصول
۸	<p>نهاد تعلیم و تربیت باید شکل‌گیری هویت‌های ویژه در دانش‌آموزان و گروه‌های مختلف را، با توجه به تفاوت‌های فردی، در کنار هویت مشترک مورد توجه قرار دهد.</p> <p>اصل هشتم</p>
استنادات	<p>این اصل مبتنی بر آرای آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن صفحات ۲۵۸، ۲۷۲ و ۲۷۳ است. همچنین ناظر به اصل توجه به اقتضائات و ویژگی‌های متریبان در جریان رشد و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری و اصل پذیرش وحدت‌گرایی در عین توجه به کثرت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. این اصل همچنین بر تعریف تربیت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بندهای (۱-۳-۱) و (۲-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۱-۳-۱) و (۳-۴-۱) و (۷-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۴-۵-۱)، (۶-۵-۱) و (۹-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی اتکا دارد.</p>
۹	<p>نهاد تعلیم و تربیت باید دانش‌آموزانی انعطاف‌پذیر، دارای مهارت‌های اجتماعی چندفرهنگی پاسخگو به جامعه محلی، ملی و جهانی پرورش دهد.</p> <p>اصل نهم</p>
استنادات	<p>این اصل با اصول پویایی و همه‌جانبه‌نگری فلسفه تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد که بر اصل وحدت‌گرایی در عین توجه به کثرت و اصل تعامل همه‌جانبه و اصل هماهنگی و همکاری در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی است. همچنین ناظر به بندهای (۱-۲-۱) و (۵-۲-۱) و (۲۹-۱) مبانی سیاسی و بند (۴-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱) و (۵-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی است.</p>
۱۰	<p>نهاد تعلیم و تربیت باید در تدوین برنامه‌های درسی به اهمیت میراث فرهنگی و ارزش‌های محلی، ملی و جهانی به‌صورت متعادل توجه کند.</p> <p>اصل دهم</p>
استنادات	<p>این اصل با اصل پویایی مطابقت دارد که مبتنی بر اصل پویایی و انعطاف‌پذیری در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین بر بند (۷-۲-۱) مبانی سیاسی و بندهای (۴-۴-۱) و (۶-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بند (۵-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی استوار است.</p>
۱۱	<p>نهاد تعلیم و تربیت باید آزادی عقیده را در سطوح مختلف برنامه‌های خود رعایت کند.</p> <p>اصل یازدهم</p>
استنادات	<p>این اصل با اصل آزادی و این اصل مبتنی بر اصل پاسداری و ارتقای آزادی و اصل وحدت‌گرایی ضمن پذیرش کثرت و اصل پویایی و انعطاف‌پذیری در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. این اصل همچنین ناظر به تعریف تربیت و ویژگی‌های آن در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و بند (۳-۲-۱) مبانی سیاسی و برخی موارد مندرج در بند (۱-۳-۱) مبانی حقوقی و بندهای (۱-۴-۱) و (۲-۴-۱) مبانی روان‌شناختی و بندهای (۱-۵-۱)، (۳-۵-۱) و (۴-۵-۱) مبانی جامعه‌شناختی فلسفه تربیت رسمی و عمومی استوار است.</p>

در بخش بعدی و برای غنی‌سازی هرچه بیشتر اصول تعلیم و تربیت چندفرهنگی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تحلیل منابع گوناگون، از منابع خارجی (مطالعه تطبیقی) نیز استفاده شد. در این راستا، نظام تعلیم و تربیت چهار کشور استرالیا، کانادا، مالزی و هندوستان بررسی شدند. این کشورها بدین دلیل انتخاب شدند که دارای زمینه چندفرهنگی فراوانی بودند و تجارب بسیاری در تدوین اهداف و برنامه‌های درسی چندفرهنگی داشتند. اصول مستخرج از این منابع در جدول ۳ آمده است.

جدول ۷. اصول چندفرهنگی مستخرج از اسناد کشورهای منتخب

ردیف	کشور منتخب	اصول
۱	استرالیا	<ul style="list-style-type: none"> ● توجه به ویژگی‌های قومی و فرهنگی در تدوین برنامه‌های درسی باید لحاظ شود. ● برنامه‌های درسی باید دانش‌آموزانی انعطاف‌پذیر، دارای مهارت‌های اجتماعی و پاسخگو برای جامعه محلی، ملی و جهانی پرورش دهند.
	استنادات	<ul style="list-style-type: none"> - چارچوب ملی برای آموزش ارزش‌ها در مدارس استرالیا (۲۰۰۵) - سند پشتیبانی از برنامه درسی آموزش چند فرهنگی، چندفرهنگی استرالیا (۲۰۰۸)
۲	کانادا	<ul style="list-style-type: none"> ● در تدوین برنامه‌های درسی باید اهمیت میراث فرهنگی و ارزش‌های سنتی و ملی آموزش داده شود. ● در تدوین برنامه‌های درسی باید سطح فرهنگی جوامع بومی و غیربومی ساکن در کانادا از طریق آموزش‌های غیررسمی برای احترام‌گذاشتن به فرهنگ‌های متنوع در کشور ارتقا یابد. ● فرصت‌های آموزشی برابر برای همگان فراهم باشد. ● در برنامه‌های درسی سیاست تکثرگرایی فرهنگی اعمال شود.
	استنادات	<ul style="list-style-type: none"> - تحقق بخشیدن به تنوع: راهبرد عدالت و آموزش فراگیر انتاریو (۲۰۰۹) - توصیف آموزش اولیه معلم در کانادا: مضامین و موضوعات (۲۰۰۷) - مواجهه با دیگری: برنامه درسی و چالش‌های آموزشی پاسخگویی به تنوع در آموزش معلمان کانادا (۲۰۱۸)
۳	مالزی	<ul style="list-style-type: none"> ● تنوع فرهنگی در تدوین برنامه درسی باید رعایت شود.
	استنادات	<ul style="list-style-type: none"> - مرکز توسعه برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش مالزی (۲۰۰۹) - اصلاحات آموزشی و پویایی سیاست‌ها: موردی از «مدرسه چشم‌انداز» مالزی برای ادغام نژادی (۲۰۰۹) - نظام آموزشی مالزی، دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار
۴	هندوستان	<ul style="list-style-type: none"> ● در جریان تربیت آزادی عقیده در سطوح مختلف برنامه درسی باید رعایت شود. ● اصل آموزش رایگان و رعایت حقوق شهروندی با توجه به زبان، خط و فرهنگ‌های بومی در برنامه درسی الزامی است. ● در جریان تربیت بر شناخت و اهمیت نهادن بر ساختار، سنن، آداب، رسوم و ارزش‌های حاکم بر جوامع و اقوام مختلف کشور تأکید شود.
	استنادات	<ul style="list-style-type: none"> - چارچوب برنامه درسی ملی: حوزه‌های چشم‌انداز و برنامه درسی (۲۰۰۵) - ادغام آموزش فرهنگ در برنامه درسی مدارس (۲۰۰۵) - چارچوب برنامه درسی ملی برای آموزش معلمان (۲۰۰۹) - نظام آموزشی هندوستان، دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار

نتیجه‌گیری

فرهنگ مسئله قرن بیستم است. آگاهی از تنوع فرهنگ‌ها چنان واضح و مشخص است که دیگر چون و چرا کردن در آن جایز نیست. اگر شاخه‌های یک درخت را به تنوع و گوناگونی فرهنگ جامعه‌ای تشبیه کنیم، پرواضح است که تنه درخت حکم اصول را برای چندفرهنگی آن جامعه دارد، تنه‌ای که نه تنها مانع تغذیه و رشد چندفرهنگی نیست، بلکه آبراه ترقی و رشد آن محسوب می‌شود. در چنین جامعه‌ای و با وجود تنه قدرتمند چندفرهنگی جامعه ثابت و استحکام خود را حفظ می‌کند. برگ و شاخه‌های درخت که حکم تنوع و چندفرهنگی را دارند با پشتوانه اصول و تنه، رقصان و پویا مدام در حال تکاپو و رشدند. ضربه و آسیب به تنه (اصول) یا نبود آن به مرگ تدریجی فرهنگ‌ها می‌انجامد.

برای اینکه جامعه چندفرهنگی علاوه بر حفظ و پایداری فرهنگ‌های خود و نیز پایبندی به فرهنگ کلی جامعه به ثبات منطقی برسد احتیاج به مخرج مشترک دارد. این مخرج مشترک می‌تواند اصول حاکم بر جامعه چندفرهنگی باشد. کشف و استخراج اصول حاکم بر چند فرهنگ یک کشور فقط خانه کوچکی از دهکده جهانی را دربرمی‌گیرد. امروزه اندیشمندان حوزه فرهنگ تفکر فرهنگ جهانی را در ذهن خود می‌پروراندند و در پی اصول حاکم بر فرهنگ جهانی‌اند. در این راستا جنبشی در حال تکوین است که به فرهنگ جهانی منسجم و جامعی نظر دارد. این جنبش در راه شکل‌گیری آن فرهنگ تلاش می‌کند که لازمه عصر «دهکده جهانی» است.

بنابراین، از دیدگاه کاسیرر، در دوران ما دو آگاهی وجود دارد: یکی آگاهی از تفاوت فرهنگ‌ها و دیگر آگاهی از «فرهنگ یگانه چندگانگی فرهنگی»، یعنی فرهنگی که هویتش یگانگی چندگانگی فرهنگ‌های مختلف و مستقل است. هویتی که هم‌زمان هم بیانگر تفاوت‌های فرهنگی است و هم این تفاوت‌ها را به گونه‌ای نادیده می‌گیرد. کوشش برای آفرینش این فرهنگ چندفرهنگی در همه سطوح جوامع اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود (موقن، ۱۳۸۹).

کاسیرر تعریف ارسطو از انسان را به این صورت تغییر می‌دهد که انسان جانور سمبل‌ساز است. به نظر کاسیرر همه قلمروهای فکری بیان‌های مختلف توان انسان در شکل دادن به امور بی‌واسطه زندگی‌اند. اهمیت و توجه به اصول حاکم بر چندفرهنگی کشورها در اندیشه کاسیرر تجلی پیدا می‌کند. او در سراسر زندگی‌اش به این اندیشه پایبند بود که انسان در مقام فرد در درون خود اصولی را داراست که زیربنای پیشرفت تمام انسانیت‌اند. حال اگر هر کدام از فرهنگ‌ها در درون خود دارای اصول مختص خود باشند، اصول چندفرهنگی می‌تواند زیربنای پیشرفت و ترقی فرهنگ جامعه باشد

زیرا این اصول عصارهٔ اصول خاص تک‌تک افراد آن فرهنگ‌اند. کشف و استخراج این اصول، به قول هراکلیتوس، آشکار کردن هماهنگی‌های پنهانی است که از هماهنگی مشهود بهتر است.

نظام تعلیم و تربیت در مواجهه با تحولات اجتماعی، فرهنگی و جهانی ناگزیر به پذیرش و تلاش برای انطباق با تحولات به‌وجودآمده است. همان‌طور که گفته شد، چندفرهنگی و نظریهٔ کثرت‌گرایی از بسترهای بااهمیت در نظام آموزشی کشورهای دارای تفاوت و تکثر قومی، زبانی و فرهنگی است. در جوامع چندقومیتی مانند ایران، به‌کارگیری فرهنگ‌های قومی در آموزش رسمی و اشاعهٔ آن از طریق برنامهٔ درسی زمینهٔ پیوند اقوام و نژادهای جامعه را به‌وجود می‌آورد و باعث وحدت میان فرهنگ‌ها و وحدت ملی می‌شود. نظام تعلیم و تربیت پایه و اساس پیشرفت یک کشور است که با رعایت اصول چندفرهنگی تعلیم و تربیت می‌تواند، علاوه بر ایجاد پیوند محکم میان افراد و فرهنگ‌های گوناگون، وحدت ملی را تحقق بخشد و اصل وحدت در عین کثرت را عملی کند. یازده اصول استخراج‌شده در این پژوهش در نظام تعلیم و تربیت ایران جایگاه ممتازی خواهد داشت. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و فلسفی، مبانی سیاسی، مبانی حقوقی، تحقیقات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی، تطبیقی و نظریات اندیشمندان تربیت اسلامی است. این‌ها شامل مفاهیم، دیدگاه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در کشور چندفرهنگی همانند ایران در اکثر موارد صادق است و باید راهنمای عمل سیاست‌گذاران، مدیران، معلمان، مربیان، والدین و دانش‌آموزان در کلیهٔ اعمال تربیت چندفرهنگی باشد. امکان تربیت افراد با فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون در گرو پیروی و رعایت این اصول است. یک کشور زمانی می‌تواند موفقیت نظام تربیتی چندفرهنگی خود را تضمین کند که، با رعایت اصول، نهایت استفاده را از سرمایهٔ نوپدید چندفرهنگی داشته باشد.

منابع
REFERENCES

- آموزش در ایران: از عهد باستان تا امروز. (۱۳۵۰). دانشگاه جندی شاپور.
- امینی، محمد. (۱۳۹۱). تبیین برنامه‌ی درسی چندفرهنگی و چگونگی اجرای آن در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ی درسی ایران*، ۷(۲۶)، ۱۱-۳۲.
- بهرام تاجانی. (۱۳۸۷). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. اندیشه عصر.
- حکمت، علیرضا. (۱۳۵۰). *آموزش و پرورش در ایران باستان*. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۷). *مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی* (۲۷ آذر ۱۳۶۳-۲۹ اسفند ۱۳۹۶). <https://sccr.ir/Files/10712.pdf>
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*. <https://sccr.ir/Files/6609.pdf>
- دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار. (بی تا). *نظام آموزشی مالزی*. <http://old.roshd.ir/MainPage/Others/maallem/Malaysia-history.pdf>
- دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار. (بی تا). *نظام آموزشی هندوستان*. https://hampafire.ir/downloads//نظام_آموزشی_در_هندوستان_رایگان/
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا* (جلد ۲، چاپ دوم). دانشگاه تهران.
- دیلینی، تیم. (۱۳۹۴). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی* (ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوئی، چاپ نهم). نشر نی. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است).
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۱). *تاریخ اجتماعی ایران* (جلد ۶). انتشارات نگاه.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۱). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایرانی*. انتشارات آگه.
- صادقی، علیرضا. (۱۳۹۲). دانش چندفرهنگی و ارتقای سبک زندگی در ایران. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴(۱۳)، ۱۱۳-۱۲۴.
- صادقی، علیرضا. (۱۳۹۰). *طراحی الگوی برنامه‌ی درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران* [رساله دکتری]. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ضمیری، محمدعلی. (۱۳۷۱). *زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام*. انتشارات راهگشا.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۰). *تفسیر المیزان*. واحد نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- عراقیه، علیرضا و فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۱). جایگاه چندفرهنگی در آموزش مدرسه‌ای و آموزش عالی. *مجله راهبرد فرهنگ*، ۵(۱۸-۱۷)، ۱۸۷-۲۰۴.
- غریبی، جلال. (۱۳۸۷). *برنامه‌ی درسی چند فرهنگ‌ی و پیامدهای آن برای چشم‌اندازهای آموزشی مدرن* [پایان‌نامه ارشد]. دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۸). *فرهنگ پژوهی* (طرح پژوهشی). دانشگاه علامه طباطبایی
- لیتوسلیتی، لیا. (۱۳۹۲). کاربرد گروه‌های کانونی در پژوهش (ترجمه عادل ابراهیمی لویه و فریبا حقیقی ایرانی). نشر علم (اثر اصلی در سال ۲۰۱۲ چاپ شده است).
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۲). *چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش*. <https://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=797>
- مصاحبه با عبدالمجید ارفع. (۱۳۸۹). زبان‌شناس بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۸). *جامعه و تاریخ*. مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). *تهاجم فرهنگی*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *بر درگاه دوست*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *خودشناسی برای خودسازی*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *کاوش‌ها و چالش‌ها*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *گفت‌مان روشنگر درباره‌ی اندیشه‌های بنیادین*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *نظریه سیاسی اسلام جلد‌های اول و دوم*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *ولایت فقیه*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *جنگ و جهاد در قرآن*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *به سری تو*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *پرتو ولایت*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). آموزش عقاید. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). راهیان کوی دوست. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). یاد او. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). پرسش‌ها و پاسخ‌ها (جلد یک تا پنج). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). در پرتو آدرخش. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). آدرخشی دیگر از آسمان کربلا. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). پندهای امام صادق. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶). نظام حقوق زن در اسلام. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ایران. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). جاذبه و دافعه علی. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مسئله حجاب. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). فطرت. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). انسان و ایمان. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مسئله شناخت. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). انسان و سرنوشت. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). عدل الهی. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). علل گرایش انسان به ما دیگری. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). فلسفه اخلاق. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). اخلاق جنسی در اسلام و جهان عرب. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). انسان در قرآن. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). انسان کامل. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). حق و باطل. انتشارات صدرا.
- موفن، یدالله. (۱۳۸۹). ارنست کاسیرر: فیلسوف بزرگ. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- واتسن، سی دبلیو. (۱۳۸۱). کثرت‌گرایی فرهنگی (ترجمه حسن پویان). دفتر پژوهش‌های فرهنگی. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است).

- Australian Government, Department of Education, Science and Training. (2005). *National Framework for Values Education in Australian Schools*. http://www.curriculum.edu.au/verve/_resources/framework_pdf_version_for_the_web.pdf
- Banks, J. A., & Cherry McGee-Banks, C. A. (Eds). (2005). *Multicultural education: Issues and perspectives*. Allyn and Bacon.
- Banks, J. A. (2006). *Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching* (5th ed). Pearson, Allyn & Bacon.
- Broudy, H. S. (1972). *The Real World of the Public Schools*. Harcourt Brace Jovanovich.
- Carson, T. R. (2018). Encounters with Otherness: Curriculum and Pedagogical Challenges of Responding to Diversity in Canadian Teacher Education. *Asian Journal of Canadian Studies*, 24(2), 55-73.
- Committee of Central Advisory Board of Education (CABE), Ministry of Human Resource Development Government of India. (2005). *Integration of Culture Education in the school curriculum* (Report). https://www.education.gov.in/sites/upload_files/mhrd/files/document-reports/Culture.pdf
- Yeoh, O-C. (1977). *The Curriculum Development Centre of Malaysia: study* (Studies of curriculum development centres in Asia 2). Unesco Regional Office for Education in Asia.
- Gambhir, M., Broad, K., Evans, M., & Gaskell, J. (2008). *Characterizing initial teacher education in Canada: Themes and issues*. University of Toronto, Ontario Institute for Studies in Education.
- Hawkins, K. (2007). Three imperatives: Valuing an anti-bias Curriculum, investing in early childhood education and promoting collaborative research. In *Eidos Emerge 2007 Conference Proceedings: Valuing and Investing in People* (pp. 71-76). Eidos Institute Ltd.

- Tselioudis, G. (2008). Australian Multicultural Education: Revisiting and Resuscitating. In G. Wan (Ed), *The Education of Diverse Student Populations* (pp.209-225). Springer.
- Irvine, J. J. (2012). Complex relationships between multicultural education and special education: An African American perspective. *Journal of Teacher Education*, 63(4), 268-274.
- Kimball, S. T. (1965). The transmission of culture. *Educational Horizon*, 43(4) 161-186. <https://www.jstor.org/stable/42923488>
- La Belle, T. J. (1976). An anthropological framework for studying education. In J. I. Roberts & S. K. Akinsanya (Eds), *Educational patterns and cultural configurations: The anthropology of education* (pp. 67-82). David McKay Company.
- Malakolunthu, S. (2009). Educational reform and policy dynamics: A case of the Malaysian “Vision School” for racial integration. *Educational Research for Policy and Practice*, 8(2), 123-134.
- Melucci, A., & Avritzer, L. (2000). Complexity, cultural pluralism and democracy: collective action in the public space. *Social Science Information*, 39(4), 507-527.
- Moses, M. S. (1997). Multicultural education as fostering individual autonomy. *Studies in philosophy and Education*, 16(4), 373-388.
- National Council for Teacher Education. (2009). *National Curriculum Framework for Teacher Education, Towards Preparing Professional and Humane Teacher*. https://ncte.gov.in/website/PDF/NCFTE_2009.pdf
- National Council of Educational Research and Training. (2005). *National Curriculum Framework*. <https://ncert.nic.in/pdf/nc-framework/nf2005-english.pdf>
- Ontario Ministry of Education. (2009). *Realizing the Promise of Diversity: Ontario's equity and inclusive education strategy*. <http://www.edu.gov.on.ca/eng/policyfunding/equity.pdf>
- Parekh, B. (2008). The concept of multicultural education. In S. Modgil, G. K. Verma, K. Mallick, & C. Modgil (Eds.), *Multicultural Education: The interminable debate* (pp. 19-31). Falmer.
- Perkins, M. & Mebert. J. (2005). Efficacy of multicultural education for student. *Journal of cross cultural psychology*, 36(4), 497-512.
- Smith, E. B. (2009). Approaches to multicultural education in preservice teacher education: Philosophical frameworks and models for teaching. *Multicultural Education*, 16(3), 45-50.
- Spindler, G. D. (1987). Beth Anne: A case study of culturally defined adjustment and teacher perceptions. In G. D. Spindler (Ed.), *Education and cultural process: Anthropological approaches* (2nd ed, pp. 230-244). Waveland Press.

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|--|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. Parekh 2. Melucci & Avritzer 3. Watson 4. Broudy 5. Banks & McGee-Banks 6. Chittom 7. Perkins & Mebert 8. Charles de Brosse 9. Delaney 10. Spindler 11. Smith 12. Fernandez 13. Hawkins 14. Carson 15. Moses 16. Irvine 17. La Belle 18. Kimball | <ol style="list-style-type: none"> ۱۹. عناوین آثار در فهرست منابع ذکر شده است. 20. عناوین آثار در فهرست منابع ذکر شده است. 21. National Framework for Values Education in Australian Schools (2005) 22. Australian Multicultural Education: Revisiting and Resuscitating: 2008 23. https://www.aussieeducator.org.au/curriculum/curriculum.html 24. https://www.studyaustralia.gov.au/english/australian-education/education-system 25. Realizing the Promise of Diversity: Ontario's equity and inclusive education strategy (2009) 26. Characterizing initial teacher education in Canada: Themes and issues (2008) 27. Encounters with Otherness: Curriculum and Pedagogical | <ol style="list-style-type: none"> Challenges of Responding to Diversity in Canadian Teacher Education. 28. The Curriculum Development Centre of Malaysia: study 29. Educational reform and policy dynamics: A case of the Malaysian “Vision School” for racial integration (2009) 30. National Curriculum Framework. (2005) 31. Integration of Culture Education in the school curriculum (Report) (2005) 32. National Curriculum Framework for Teacher Education, Towards Preparing Professional and Humane Teacher (2009) 33. Litosseliti |
|--|---|---|

Identifying and developing the principles of multicultural education of the Islamic Republic of Iran

- Alirezā sādeghi (PhD), Allāme Tabātabā'i University, Tehran, Iran¹
- Ya'ghoob Azizi, PhD Candidate in Curriculum Studies at Allāme Tabātabā'i University, Tehran, Iran²

Abstract

A pluralistic and multicultural society can move during the transition from the threat towards the opportunity, when the multicultural education and ethnic diversity are based on the principles. A multicultural curriculum that is compatible with the capabilities and capacities of the Islamic Republic of Iran's system needs, above all, the extraction of the key principles and elements. Therefore, the present study aims at identifying and extracting the principles of multicultural education of the Islamic Republic of Iran. This research was qualitative in nature and it was analytical-inferential in terms of the research method. The research area of study included the views of Islamologists, upstream documents of Iran, history of education in Iran, and the documents of the selected countries on the multicultural education. The research sample was selected using the purposeful sampling method of the homogeneous type. The tools and methods of data collection were documentary methods, reviewing the documents and using the content analysis worksheets. Findings included the extraction of eleven principles of multicultural education, some of which are as follows: In the institution of education, human dignity and the rights of individuals should be protected, regardless of the cultural differences, opportunities for the quality education should be provided, with no attention to the color, race, class or religion. Education should promote the spirit of peaceful coexistence among the religions, sects and ethnic groups in Iran and the world, and also, it should provide opportunities for the religious education for the religious minorities and local languages for learners. Educating the students should be done in such a way that they avoid inspecting each other's opinions and do not attack others for having an opinion. Special identities should be formed in students and different groups, according to the individual differences along with a common identity.

Keywords

Multicultural Education, Principles of Multicultural Education, Multicultural Curriculum

E-mail: 1. sadeghi.edu@gmail.comr (Corresponding Author) 2. yaqoob.azizi@yahoo.co.uk